



آفای گاو به نقاش : زبانم لال ، چرا منو شبیه گاو
!کشیدی؟



یک روز کبریتی سرش را می خاراند، آتش می گیرد.

امیرحسین کریمی ۱۰ ساله از شیراز



جراید: تلفن همراه به DNA آسیب می رساند
اولی : وای این دراکولا چیه ؟
دومی : نترس ، آقای رئیس ، جهش ژنتیکی پیدا کرده



معلم: بگو ببینم، کمبوجیه چه جور پادشاهی بود؟
شاگرد: پادشاه بدی نبود، فقط همیشه از کمبود بودجه
شکایت داشت.

آتنا شاهرودی ، ۱۲ ساله از تهران



معلم : بنویس صابون
شاگرد روی تخته نوشت ، صابون
معلم : ببین عزیزم صابون با ص است نه با س
شاگرد : خانم فرقی نمی کند نگران نباشید اینم کف می
کند



دو نفر دروغگو به هم رسیدند
اولی گفت : من دیشب توی کره ماه شام خوردم
دومی : آره ، وقتی از کره ی مریخ برمی گشتم تو را در
کره ماه سر سفره دیدم



مادر : علی بیا اسفناج بخور آهن دارد
علی : آخر مادر جان الان آب خوردم می ترسم زنگ بزنم




پدر : حالا که رفوزه شدی به کسی نگو تا آبرویت نرود
پسر: چشم پدر، به همه سفارش کردم تا به کسی نگویند




خبرنگار: چرا قبل از هر بازی به حمام می روی؟
!!!!.فوتبالیست: برای اینکه گل‌های تمیز بزنم



اولی : چرا گریه می کنی؟
دومی : چون اگر يك دقیقه زودتر رسیده بودم از اتوبوس جا
نمی ماندم
اولی : ولی طوری گریه می کنی که انگار اتوبوس دو
!!!!ساعت پیش رفته بود

02  معلم: بگو به غیر از اکسیژن چه چیزهایی در هوا وجود دارد؟
.....شاگرد : آقا اجازه، کلاغ ، مگس ، پشه

Koodakan.org

 معلم: چند وقت است که حمام نرفتی؟
شاگرد: از موقعی که امیرکبیر در حمام کشته شد
آتنا شاهرودی ، ۱۲ ساله از تهران

Koodakan.org